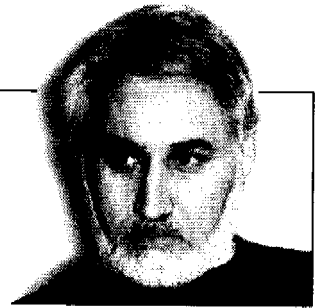


فوتبال به مثابه یک واقعیت فراگیر



سیدمحمدرضا خاتمی

چند سال پیش، به فاصله چند ماه مردم ایران دو صحنه از حضور دو رئیس‌جمهور را در میدان فوتبال دیدند: اولی آرام با خصوصیات شناخته شده خود در جایگاه نشسته بود و پس از گل پیروزی ایران و صعود تیم به جام جهانی با احساساتی نه چندان پرشور دست می‌زد.

دومی، باز هم با خصوصیات شناخته شده خود با لباس تیم ملی در زمین چمن به دروازه‌بان تیم ملی پناحتی می‌زد. این دو صحنه یک پیام مشترک داشت و آن این بود که ورزش به طور اعم و فوتبال به طور اخص، جزئی از زندگی ایرانیان و شاید جزء برتر آن است.

نظیر این شواهد باز هم وجود دارد. ورزش که زمانی ابزار استعمار محسوب می‌شد، امروز آن چنان مقبول شده که همه چیز را برای آن فدا می‌کنند. اگر روزگاری در حساس‌ترین لحظات یک مسابقه فوتبال به ناگهان به خاطر تلاقی زمانی با اذان، فوتبال قطع می‌شد و اذان و نیایش پخش می‌شد، امروز هیچ چیز مانع پخش مستقیم کم‌اهمیت‌ترین مسابقه مثلا بین دو تیم باشگاهی نمی‌شود و تنها به زیرنویس اذان مغرب به افق تهران و کلام تصنعی گزارشگر درباره التماس دعا از همه نمازگزاران بسنده می‌شود.

اگر زمانی هر عاملی که در ماه مبارک رمضان سبب می‌شد افراد به هر دلیل نتوانند در روز روزه‌داری کنند، می‌بایست حذف می‌شد و به همین دلیل تقریباً همه مسابقات فوتبال تعطیل می‌شدند، امروز در عصر طلایی مدعیان اصولگرایی ناب و در ماه مبارک رمضان، به جای یک مسابقه در هفته، تا سه مسابقه هم برگزار می‌شود. همه این‌ها نشان دهنده نفوذ بی‌نظیر فوتبال در جامعه جوان ایرانی است که به عقیده من از نفوذ کلام هر ناصح و منتقد و هر خیرخواه و معلمی، بیشتر است.

این پدیده مختص ایران هم نیست، آنچه در ایران عجیب می‌نماید شعارهای سیاسی خاص ماست که می‌خواهد ما را تافته جدا بافته از دنیا بداند، اما چون به فوتبال می‌رسد، طابق النعل بالنعل همه سیاست‌ها و برنامه‌های جهانی را اجرا می‌کند.

آیا کسی فکر می‌کرد دولتی که در برابر قطعنامه‌های شورای امنیت و اکتشی جز سخره ندارد و آن‌ها را از کم‌اهمیتی به کاغذپاره تشبیه می‌کند، وقتی پای فوتبال به میان آید، در کمتر از یک هفته در کابینه‌اش، تمام خواست‌های "قیفا" را به صورت اساسنامه فدراسیون تصویب می‌کند و به اجرا می‌گذارد؟

چه کسی تصور می‌کرد آنان که خود را مستقل‌ترین کسان از سیاست سلطه می‌دانند در کمتر از چشم به هم زدنی "معاون رئیس‌جمهور" را به کناره‌گیری از سمت فوتبالی خود مجبور کنند تا مبادا کورتی در چهره "سپ بلاتر" رئیس فیفا دیده شود. پس باید پذیرفت این فوتبال است که همه جهان و جهانیان را مسخر خود کرده است.

مبحث فوتبال و رابطه آن با اقتصاد، هنر، تبلیغات، رسانه، توریسم، ایدئولوژی، نژادپرستی، جنگ صلح، سیاست زن، مرد، پیر، جوان، هویت ملی، جهانی شدن و... بسیار گسترده و غیر قابل چشم‌پوشی است.

امروز برای یک کشور، حضور در جام جهانی فوتبال بسیار معنادارتر از عضویت در شورای امنیت سازمان ملل است. امروز قهرمانی فوتبال در یک منطقه یا قاره برای دولتمردان بسیار پر اهمیت‌تر از شکوفایی علمی و اقتصادی است. امروز هویت ملی بسیاری از کشورها با تیم فوتبال شان رقم می‌خورد و نه با مفاخر و مآثر ماندگار علمی، ادبی و هنری شان.

امروز خواننده‌ای که برای فوتبال می‌خواند، بیشتر شناخته می‌شود تا کسی که سوگواره ملت خویش را می‌سراید. بحث بر سر خوبی یا بدی وضع موجود نیست، بحث بر سر دردناک بودن یا لذت‌بخش بودن این روابط هم نیست، بحث بر سر واقعیتی است که همه جهان را در بر گرفته و اساس روابط ملی و بین‌المللی را تحت‌الشعاع قرار داده است.

کنشگران سیاسی و اجتماعی، فعالان عرصه مدنی، کارآفرینان و تولیدگران، عالمان و محققان باید این پدیده را بشناسند و به عمق آن پی ببرند. غفلت از این شناخت به معنی تسلیم محض در برابر پدیده‌ای است که بخصوص با سیطره مطلق و بی‌رقیب رسانه‌های تصویری، همه چیز را تحت‌الشعاع قرار داده است.

"آیین" به عنوان نشریه‌ای که مایل است، فعالان سیاسی و اجتماعی ایران به عمق مسائل نو و مبتلابه بیشتر ببینند و ورای آنچه در صحنه‌های روزمره ایران و جهان اتفاق می‌افتد، به لایه‌های درونی‌تر حوادث و رخدادهای جوامع نیز سر بکشند، در این شماره کوشیده است یکی از مهم‌ترین پدیده‌های دنیای نو یعنی فوتبال را از دیدگاهی متفاوت به خوانندگان خود معرفی کند.

امیدواریم حاصل این تلاش، گشودن دریچه‌های جدید معرفت و دانایی برای همه این عزیزان باشد.